



بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - 1 / فروردین / 1397

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين. اللهم صل على وليك على بن موسى عدد ما فى علمك صلاة دائمة بدوام عزك و سلطانتك، اللهم سلم على بن موسى الرضا عدد ما فى علمك سلاماً دائماً بدوام مجدك و عظمتك و كبرياتك. اللهم صل على وليك على بن محمد الهادى التقى سلاماً دائماً بدوام عزك و سلطانتك.

خدای متعال را شاکرم که توفیق عنایت کرد یک بار دیگر، یک سال دیگر در کنار این بقعه‌ی مطهر و مبارک با شما مردم عزیز و وفادار دیدار کنم و سلام مخلصانه‌ی خود را به زوار عزیزى که از سراسر کشور در اینجا اجتماع کرده‌اند به مجاوران محترم این شهر مقدس عرض کنم. حلول سال نو و عید نوروز را تبریک عرض میکنم و شهادت حضرت امام هادی (سلام الله علیه) را تسلیت عرض میکنم. این امام بزرگوار در مجموعه‌ی آثار و برکاتی که از ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) رسیده است، این خصوصیت را دارد که در ضمن زیارت، مهم‌ترین فصول مربوط به مقامات ائمه (علیهم السلام) را با بیان وافى و شافى، با زیباترین تعبیرات بیان کرده‌اند. زیارت جامعه‌ی کبیره، از این بزرگوار است؛ زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر که یکی از غرر (۱) تعبیرات و فرمایشات ائمه (علیهم السلام) است، از این بزرگوار است. امیدواریم که به برکت نگاه عطوفت‌آمیز این امام بزرگوار - که شهادت ایشان با روز اول سال و با عید نوروز همراه شده است - ملت ایران در این سال از هدایت الهی برخوردار باشند.

امروز چند مطلب را من عرض خواهم کرد به شما برادران و خواهران عزیز که حضور دارید و در واقع به همه‌ی ملت بزرگ ایران. اولاً یک نگاه گذرا و اجمالی به کارنامه‌ی چهل‌ساله‌ی جمهوری اسلامی - چه در اصول بنیانی و شعارها و ارزشها، و چه در عملکردها - خواهیم کرد؛ چون سال ۱۳۹۷ که امسال است، چهلمین سال پیروزی انقلاب است. در این چهل سال، این پرچم برافراشته، چشمها را، دلها را در مجموعه‌ی عظیمی از ملتهای منطقه به خود جلب کرده است. مایلیم یک نگاه اجمالی بکنیم، ببینیم در این چهل سال، شعارهای اصلی نظام جمهوری اسلامی در چه وضعیتی است، عملکرد ما مسئولین در این مدت چگونه است. البته این بحث، یک بحث طولانی و مفصّلی است که با آن طول و تفصیل، مناسب این جلسه نیست لذا بنده اکتفا میکنم به بیانی کوتاه و تقریباً با اشاره؛ بیان مفصّل این موضوع را محوّل میکنم به جلسه‌ی دیگری در ماه مبارک رمضان. اگر زنده بودم و ماه مبارک را درک کردم، در یکی از دیدارهای ماه مبارک رمضان، مفصّل در این زمینه ان شاء الله صحبت خواهم کرد؛ یک مطلب این است.

مطلب بعدی این است که عرض کنیم در کشور ما استعدادها و ظرفیتهای بسیار گسترده‌ای وجود دارد که تاکنون از آنها استفاده نشده است؛ اگر استفاده بشود، وضعیت کشور بمراتب پیش خواهد رفت و بهتر خواهد شد. مطلب بعدی که امروز عرض میکنم، این است که موانع استفاده‌ی از این ظرفیتهای چیست؛ یک مقداری به عیوب رفتاری خودمان واقف بشویم؛ ببینیم چه چیزی موجب شده است که ما نتوانیم از این ظرفیت وسیع استفاده کنیم. مطلب بعدی، سرفصل بعدی، راجع به شعار امسال است که «حمایت از کالای ایرانی» است؛ یک توضیحی در این زمینه عرض میکنم. بعد هم یک اشاره‌ای به مسائل منطقه و یک اشاره‌ای به آینده خواهیم کرد؛ این فهرست بحثهای امروز است. امیدوارم برادران عزیز و خواهران عزیز که در جلسه حضور دارند، با حوصله این بحث را بشنوند و از خدای متعال درخواست میکنم که زبان بنده را گویا کند تا بتوانم آنچه مورد نظر است بیان کنم.



در باب ارزشهای اصلی انقلاب و شعارهای انقلاب و اصول بنیادین انقلاب، آنچه من میتوانم عرض بکنم این است که انقلاب، امتحان خوبی در این زمینه پس داده است؛ یعنی ملت ایران توانسته است اصول بنیادین را و شعارهای اصلی انقلاب را به همان استحکام اول، تا امروز حفظ کند. شعارها و ارزشهای اصلی اینها است: استقلال، آزادی، مردم سالاری، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملی، عدالت، و برتر و بالاتر از همه‌ی اینها تحقق و پیاده شدن احکام دین و شریعت در کشور؛ این شعارها با همان طراوت اول حفظ شده است.

امروز کشور از استقلال برخوردار است و این خواسته‌ی عمومی این مردم در انقلاب بوده، یعنی واکنش ملت ایران به دو بیست سال سلطه‌ی بیگانگان بر این کشور است. این را خوب است جوانهای ما، اهل فکر و تحقیق ما، مورد توجه قرار بدهند. تا قبل از انقلاب، حدود دو بیست سال قدرتهای سلطه‌گر بر این کشور مسلط بودند و حکومتها زیر سایه‌ی قدرتهای بیگانه حکومت میکردند. حکومت قاجار با تضمین دولت تزاری روسیه بر سر پا بود؛ یعنی در جنگهای ایران و روس، در قضیه‌ی ترکمانچای، عباس میرزای قاجاری [از روسها] قول گرفت که حکومت در خاندان قاجار باقی بماند؛ یعنی خاندان قاجار زیر پرچم و ضمانت روسها زندگی میکردند. بعد انگلیسها آمدند، رضاخان را سر کار آوردند؛ همان انگلیسها محمدرضا را سر کار آوردند؛ بعد در بیست و هشتم مرداد سال ۳۲ آمریکاییها وارد میدان شدند و محمدرضا را تجدید سلطنت کردند؛ یعنی در طول این سالهای متمادی، حکومتهای ما را یا این قدرت یا آن قدرت می‌آورد و می‌برد. در یک برهه‌ای از زمان -قرارداد ۱۹۰۷- انگلیس و روس تزاری با هم توافق کردند، کشور ایران را بین خودشان تقسیم کردند؛ یک قسمت زیر سلطه‌ی انگلیس، یک قسمت زیر سلطه‌ی روس، یک قسمت کوچک هم این وسط مستقل؛ یعنی این جور کشور در زیر سلطه بود؛ لذا خواست عمومی ملت ایران این بود که از این حالت خارج بشود و استقلال پیدا کند. من میتوانم عرض بکنم که امروز هیچ کشوری در دنیا، ملتی به استقلال ملت ایران ندارد؛ همه‌ی ملتهای دنیا به نحوی از انحاء، نوعی ملاحظه‌کاری در مقابل قدرتها دارند. آن ملتی که آرایش تحت تأثیر هیچ کدام از قدرتها قرار نمیگیرد، ملت ایران است. بنابراین استقلال محفوظ ماند.

آزادی؛ استقلال و آزادی در کنار هم جزو شعارهای اصلی انقلاب بوده است؛ آزادی در این کشور تأمین شده است. بله، عده‌ای بی‌انصافی میکنند؛ از آزادی موجود استفاده میکنند و بدروغ میگویند آزادی وجود ندارد؛ رادیوهای بیگانه و تبلیغات بیگانه هم سخن آنها را بازتاب میدهند. واقع قضیه این نیست؛ امروز در کشور ما آزادی فکر هست، آزادی بیان هست، آزادی انتخاب هست؛ هیچ کس به خاطر اینکه فکرش و نظرش مخالف نظر حکومت است، مورد فشار و تهدید و تعقیب قرار نمیگیرد. هر کس ادعا کند که «من مورد فشار قرار گرفته‌ام چون عقیده‌ام در فلان مسئله برخلاف عقیده‌ی حکومت بوده»، هر کس این جور ادعایی بکند، دروغ گفته؛ چنین چیزی نیست. افراد متعددی در رسانه‌های مختلف، افکار گوناگون ضد حکومت را -که عقیده‌شان است- ابراز میکنند و کسی هم با اینها کاری ندارد؛ بنا هم نیست که کسی متعرض اینها بشود. آزادی بیان هم هست؛ میتوانند بگویند.

بله، آزادی در همه‌ی جای دنیا چهارچوب دارد؛ آزادی یعنی «برخلاف قانون عمل کردن» وجود ندارد؛ آزادی یعنی «برخلاف دین و شریعت عمل کردن» وجود ندارد. چهارچوب آزادی در کشور ما، قانون اساسی ما و قوانین کشور و همه‌ی الهام گرفته‌ی از شریعت مطهر اسلام است؛ البته این هست. اینکه کسی توقع داشته باشد آزاد باشد و برخلاف قانون عمل کند، منطقی نیست و این وجود ندارد. بنابراین آزادی هست.

مردم سالاری؛ انتخابات عمومی در کشور ما جزو کم نظیرترین انتخاباتها در تمام دنیا و در کشورهای مختلف



است. تقریباً همه‌ی سالها و اخیراً هر دو سال یک بار، انتخابات انجام میگیرد. در انتخابات همه آزادند، همه شرکت میکنند، با شور و شوق هم ملت ما شرکت میکنند. شما ملاحظه کنید در این چهل سال، دولتهایی که با انتخاب مردم سر کار آمدند، دارای گرایشهای مختلف بودند؛ یک وقت گرایش به نوع سیاستی داشتند، یک وقت گرایش به ضد آن داشتند؛ همه‌ی اینها را مردم انتخاب کردند. مردم سالاری در کشور ما مستقر است. ما در انتخابات‌های خودمان نگذاشتیم یک روز تأخیر بشود، حتی در دوران جنگ.

ارزش و اصل دیگر، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملت ایران است یعنی ملت، در مقابل دیگران احساس انفعال و سرافکندگی نداشته باشد؛ یعنی روحیه‌ی «ما میتوانیم»؛ این امروز بحمدالله در کشور وجود دارد. البته عرض کردم، شرح اینها و آمارهای مربوط به اینها طولانی است و اینها را در جلسه‌ی دیگری عرض خواهم کرد. امروز بحمدالله ملت ما و جوانان ما روی پای خودشان می‌ایستند و احساس استقلال و خودباوری میکنند.

مسئله‌ی عدالت. بنده در چند هفته‌ی قبل گفتم (۲) در بحث عدالت عقیم؛ عقیده‌ی من همین است، منتها دیگران - بدخواهان - جور دیگری استفاده کردند؛ معنای این حرف را این قرار دادند که کشور در باب عدالت، هیچ حرکتی انجام نداده است؛ این خلاف واقع است. در باب عدالت کارهای بسیار زیادی انجام گرفته، کارهای بسیار خوبی انجام گرفته است، منتها این، آن عدالتی که ما دنبالش هستیم و آرزوی ملت مسلمان است نیست، با آن فاصله دارد؛ و الا اگر شما مقایسه کنید کشور ما را با دوران قبل از انقلاب یا با بسیاری از کشورهای دیگر، می‌بینید در اینجا فاصله‌ی طبقاتی کمتر است، توانایی‌های قشر ضعیف بیشتر است، عمومیت آموزش و پرورش و بهداشت و دیگر چیزها حتماً از بسیاری کشورهای دیگر بیشتر است.

من یک آماری اینجا نوشته‌ام که این را بد نیست بگویم. منشأ این آمار و کسی که این آمار را داده است، بانک جهانی است؛ یعنی بانک داخلی نیست. اینجا گفته میشود که پیش از انقلاب، ضریب جینی بالای ۵۰ بود. ضریب جینی، یک محاسبه‌ای است که برای نشان دادن شکاف طبقاتی و فاصله‌ی فقیر و غنی در کشورها انجام میگیرد؛ هرچه عدد این ضریب بالاتر باشد، شکاف طبقاتی بیشتر است؛ هرچه کمتر باشد، شکاف طبقاتی کمتر است. قبل از انقلاب، ضریب جینی بالای ۵۰ بوده است؛ در سال ۹۴ ضریب جینی در کشور ۳۸ بوده است؛ یعنی ما این مقدار - فاصله‌ی ۵۰ و ۳۸ - توانسته‌ایم فاصله‌ی طبقاتی را کم کنیم.

[طبق] یک آمار دیگر - که این آمار هم مربوط است به بانک جهانی؛ آمار بانک جهانی است؛ جزو آمارهای بین‌المللی است - قشر فقیر مطلق، پیش از انقلاب ۴۶ درصد ملت ایران بودند، یعنی تقریباً نصف ملت ایران قبل از انقلاب جزو قشرهای فقیر مطلق بودند؛ امروز این عدد ۴۶ درصد، رسیده است به ۹/۵ درصد - البته در سال ۹۳؛ آمار بعد از آن را بنده ندارم - یعنی این مقدار، کار انجام گرفته.

جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی فشارهایی که داشته است، در تأمین عدالت کارهای بزرگی انجام داده است و پیشرفتهای خوبی کرده است. البته تبلیغات، چیز دیگری را میگوید؛ و آن عدالتی هم که ما توقع داریم، ما دنبالش هستیم، بیش از اینها است. بنابراین شعار عدالت هم، شعار واقعی است و شعاری است که بحمدالله در کشور، ماندگار و مستقر است.



و مسئله‌ی دین و تحقق شریعت به برکت وجود شورای نگهبان؛ که همه‌ی قدرتهای مستکبر هم با شورای نگهبان مخالفند، به خاطر اینکه تأمین‌کننده‌ی انطباق قوانین و عملکردها با شرع مقدّس است؛ این مربوط به شعارها. بنابراین من میتوانم به طور اجمال عرض بکنم که عملکرد چهل‌ساله در زمینه‌ی شعارهای اصلی انقلاب، عملکرد قابل قبول و عملکرد خوبی است.

اما در مورد کارکردهای مسئولان کشور؛ کارنامه در باب عملکرد اجرائی مسئولان. در باب امنیت و ثبات، کارکرد، کارکرد بسیار خوبی است؛ در باب علم و فناوری، کارکردها بسیار خوب است؛ در باب زیرساخت‌های کشور - یعنی راه‌های ارتباطی، سدها، نیروگاه‌ها، بنادر و امثال اینها - کارکرد، بسیار کارکرد خوبی است؛ در باب صادرات غیر نفتی، در باب سرانه‌ی ناخالص ملّی، سرانه‌ی ناخالص ملّی نسبت به دوران قبل از انقلاب، تقریباً به دو برابر رسیده است، یک کارنامه‌ی مطلوبی در این زمینه‌ها وجود دارد؛ در باب توسعه‌ی اجتماعی همین‌جور؛ یعنی در عملکردها، در بخشهای مختلف، آمارهای خرسندکننده‌ی وجود دارد. البته تبلیغات، غیر از این را نشان میدهد؛ در تبلیغات، دشمنان سعی میکنند مردم را از واقعیت‌های مثبت دور کنند، برای اینکه دل‌های آنها را نسبت به انقلاب اسلامی و نسبت به نظام و نسبت به اسلام چرکین کنند؛ واقعیت این است که عرض کردیم.

مطلب بعدی راجع به امکانات و ظرفیتهای استفاده نشده است؛ این هم نکته‌ی بسیار مهمی است. من میخواهم عرض بکنم آنچه شما ملاحظه میکنید - از پیشرفتها، از امکانات، از توانایی‌های عمومی و ملّی - استفاده‌ی از بخشی از ظرفیت کشور است؛ ظرفیت کشور بیش از اینها است. اگر ما بتوانیم از همه‌ی ظرفیت کشور با برنامه‌ریزی درست استفاده کنیم، پیشرفت کشور، رشد کشور بسیار بیشتر از امروز خواهد شد. ظرفیتهایی که وجود دارد [اینها است]:

یکی ظرفیت جوانان دانش‌آموخته‌ی ما است؛ این خیلی مهم است. ما ده میلیون [نفر] در کشور جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی داریم؛ بیش از چهار میلیون دانشجوی مشغول به تحصیل داریم؛ یعنی ۲۳ برابر اوّل انقلاب. اوّل انقلاب ما ۱۷۰ یا ۱۸۰ هزار دانشجو داشتیم؛ امروز بیش از چهار میلیون دانشجو داریم؛ یعنی ۲۳ برابر آن روز دانشجو هستند؛ این یک ظرفیت بسیار مهمی است برای کشور. غیر از جوانان دانشجو، جوانانی که در حوزه‌های علمی مشغول تحصیلند یا جوانانی که در میدانهای عملی مشغول کار هستند تعدادشان بسیار زیاد است؛ اینها توانایی‌های زیادی دارند و میتوانند در علم، در صنعت، در امور تجربی و در تربیت نقش‌آفرینی کنند. ما از اینها استفاده‌ی درستی نکرده‌ایم؛ امروز هم متأسفانه استفاده‌ی درستی نمیکنیم. اینکه بنده اصرار دارم که جوانها هر جایی که دستشان میرسد خودشان کار کنند، اقدام کنند، تأسیس کنند، ابتکار کنند به خاطر این است. یک برنامه‌ریزی جامعی لازم است در کشور انجام بگیرد برای استفاده از این مجموعه‌ی جوانی که ما در کشور داریم. اینکه ما گفتیم «آتش به اختیار»، فقط مخصوص کارهای فرهنگی نیست، در همه‌ی زمینه‌هایی که برای پیشرفت کشور مؤثر است جوانها میتوانند نقش‌آفرینی کنند. این یکی از امکانات ما است.

یکی از امکانات و ظرفیتهای مهم، موج جمعیتی است که بعضی‌ها مخالفند. بعضی‌ها میگویند «جمعیت کشور چرا باید این تعداد باشد و چرا باید بیشتر بشود؟»؛ این خطا است. هشتاد میلیون جمعیت در یک کشور، آبرو برای این کشور است؛ این کشور هشتاد میلیون [جمعیت دارد]. این سیاست غربی‌ها - که من بعد اشاره خواهم کرد - [یعنی] سیاست تحدید نسل، امروز گریبان خود آنها را گرفته است و دارد بیچاره‌شان میکند؛ میخواهند کشورهای اسلامی از جمعیت‌های زیاد و جوانهای فعال و انسانهای کارآمد برخوردار نباشند. اینکه من اصرار میکنم که حتماً بایستی تکثیر



نسل بشود، خانواده‌ها باید فرزنددار بشوند -فرزندهای بیشتری- برای این است که فردای این کشور به همین جوانها احتیاج دارد و جوان و نیروی انسانی چیزی نیست که انسان بتواند از خارج وارد کند؛ بایستی خود کشور آن را تأمین بکند. این موج جمعیتی یکی از امکانات است.

وسعت سرزمین کشور ما و همسایگی با آبهای بین‌المللی آزاد، از فرصتهای این کشور است؛ ما از اینها به طور کامل استفاده نمیکنیم؛ یکی از دو حاشیه‌ی خلیج فارس متعلق به ما است، بخش عمده‌ای از دریای عمان متعلق به ما است. همسایگان متعدد؛ با پانزده کشور ما همسایه هستیم و این یک امکان و یک ظرفیت بسیار مهم برای کشور است. کشور ما از لحاظ جغرافیایی در جای حساسی قرار گرفته است؛ نقطه‌ی اتصال شرق و غرب و شمال و جنوب است و این از لحاظ جغرافیایی مهم است.

منابع طبیعی باارزشی در کشور ما وجود دارد که امروز بدون اینکه ارزش افزوده‌ای داشته باشد، به خارج فروخته میشود؛ یکی [از آنها] نفت و گاز است. من سال گذشته در همین جلسه (۳) گفتم که ما در موجودی نفت و گاز بر روی هم، در دنیا اولیم؛ یعنی هیچ کشوری به قدر ایران عزیز ما مجموعاً نفت و گاز ندارد؛ در گاز اول، در نفت چهارم و در مجموع اینها -حجم مجموع نفت و گاز- اول در همه‌ی دنیا [هستیم]. این خیلی ظرفیت مهمی است؛ امکان بسیار مهمی است؛ اینکه دشمن میخواهد به هر قیمتی تسلط خود را و قیمومیت (۴) خود را بر این کشور اعمال کند، به خاطر همین ثروتها است. این [نفت و گاز] یکی از منابع باارزش کشور است، [به علاوه‌ی] فلزات فراوان و باارزش، مراتع، جنگلها و امکانات فراوان دیگر. اگر از این ظرفیتهای استفاده بشود، اقتصاد ایران در میان بیش از دو بیست کشور جهان، بین دوازده کشور اول قرار خواهد گرفت؛ اگر با ابتکار جوانها، با حضور جوانها، با حضور مدیران فعال و پُرکوشش ان شاءالله بشود از این امکانات استفاده کرد، اقتصاد کشور در میان دوازده اقتصاد اول همه‌ی دنیا قرار خواهد گرفت و از همه جهت پیشرفته خواهد شد که امروز البته این جور نیست.

خب، ما چرا از این ظرفیتهای استفاده نکرده‌ایم؟ علت اینکه از این ظرفیتهای استفاده نشده است، وجود موانع است؛ من چند مورد از این موانع را میشمارم.

یکی از این موانع باور نداشتن بعضی از مسئولین ما به همین ظرفیتهای است؛ یا باور ندارند یا به اینها اهمیتی نمیدهند. وجود این همه جوان در کشور، یک ظرفیت مهمی است؛ بعضی از مسئولین ما، در طول زمانها، به این اهمیتی نمیدادند؛ بعضی‌ها این را باور نداشتند، اهمیتی نمیدادند؛ این را که «از دست این جوانها کار برمی‌آید»، بعضی‌ها قبول نداشتند، باور نداشتند. آن روزی که صنعت هسته‌ای کشور شروع به فعالیت کرد و به آن اوجی که همه میدانید رسید، بعضی‌ها بودند -حتی بعضی از دانشمندان ما، بعضی از نسلهای قدیمی ما- که به ما میگفتند «آقا نکنید، فایده‌ای ندارد، نمیشود، نمیتوانید»؛ بعضی‌ها به خود من نامه مینوشتند و میگفتند نمیتوانید. چرا؟ چون آن کسانی که دست‌اندرکار بودند، همه تقریباً جوان بودند؛ اکثر آنها در سنین حدود سی سال و کمتر از سی سال بودند؛ اینها توانستند. همان کسانی که منکر بودند، بعداً اعتراف کردند که «بله، اینها واقعاً توانستند این کار را انجام بدهند». امروز در صنایع مختلف، در نانو تکنولوژی، در صنایع گوناگون، در صنایع برتر -به قول فرنگی‌مآب‌ها «های‌تک»- کشور، عمده جوانها هستند؛ مشغول کارند، دارند تلاش میکنند و میتوانند؛ جوانهای ما قادر به خیلی از کارهای بزرگ هستند. بعضی از مسئولین ما در طول زمان، این امکان را باور نداشتند یا به آن اهمیتی نمیدادند.



به نظر من مهم‌ترین چالش کشور ما یک چالش ذهنی است، یعنی همین که افکار عمومی نمیدانند چقدر ثروت در اختیار کشور هست؛ بعضی از مسئولین ما هم متأسفانه نمیدانند چقدر ثروت - ثروت انسانی و ثروت طبیعی - در اختیار کشور هست؛ دشمن هم از همین دارد استفاده میکند. دشمن میخواهد بگوید که شما نمیتوانید یا ندارید؛ بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما میتوانیم و ما دارا هستیم و امکاناتمان فراوان است. مسئولین ما باید به قدرت جوانان و به توانایی جوانان ایمان بیاورند و اهمیّت بدهند؛ جوانان ما هم باید از کار خسته نشوند، از ابتکار خسته نشوند، از بعضی از قدرشناسی‌ها دلسرد نشوند. بعضی جوانها به ما شکایت میکنند که «ما این کار را کردیم یا میتوانستیم بکنیم یا میتوانیم بکنیم؛ [اما] به ما اعتنائی نمیشود»؛ خیلی خوب، دلسرد نباید بشوند؛ باید دنبال کنند کار را، ابتکار را؛ مسئول هم وظیفه دارد، خود جوان هم وظیفه دارد؛ این یکی از موانع.

یک مانع دیگر کم‌کاری‌ها است. بعضی از افرادی که در بخشهای مختلف مسئولند، متأسفانه دچار تنبلی و کم‌کاری بوده‌اند و هستند. وضع کشور اقتضا میکند کار پُر توان و پُر تلاش را؛ مسئولین و مدیران در هر جا که هستند، بایستی تلاش را افزایش دهند.

یکی از موانعی که موجب شده ما از این ظرفیتهای استفاده نکنیم، اعتماد کردن به نسخه‌ی بیگانگان بوده. عرض کردم؛ مردم ما در مقابل بیگانگان منفعل نیستند. بعضی از مسئولین ما در گوشه و کنار کشور به نسخه‌ی بیگانگان اعتماد بیشتری دارند تا به نسخه‌ی داخلی! و این هم خطای بزرگی است. شما ملاحظه کنید همین سیاست جمعیتی غربی‌ها که «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، سیاست اروپایی است، سیاست غربی است؛ خودشان هم عمل کردند و امروز دچار مشکلند؛ دارند جایزه میدهند که خانواده‌ها فرزنددار بشوند؛ میخواهند جبران کنند عقب‌ماندگی را، فایده هم ندارد. این سیاست را، نسخه‌ی غربی را [بعضی‌ها] قبول کردند. ما چند سال قبل اصرار کردیم، گفتیم - در سخنرانی، در جلسات خصوصی با مسئولین - که موانع تولید نسل را بردارید؛ مسئولین هم قبول کردند، تصدیق کردند حرف ما را، منتها در مدیریتهای میانی متأسفانه موانعی وجود دارد؛ آن‌چنان که باید و شاید به این نسخه‌ی اسلامی که «تَنَاقُحُوا تَنَاسَلُوا تَكَثَّرُوا فَإِنَّ أْبَاهِي بِكُمْ الْاَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۵) عمل نمیکند، [اما] به نسخه‌ی غربی عمل میکنند! این یکی از موانع پیشرفت ما است.

یکی دیگر، [عمل کردن به] سیاستهای بانک جهانی، سیاست تعدیل، سیاستهای مربوط به بعضی از معاهدات بین‌المللی، به قول خودشان کنوانسیون‌ها؛ این سیاستها را عمل کردن، جزو موانع پیشرفت در کشور است.

به درون‌زایی در اقتصاد بی‌توجه بودن. جزو سیاستهای اقتصاد مقاومتی و خصوصیات اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی است؛ درون‌زایی یعنی تولید ثروت به وسیله‌ی فعالیت درونی کشور انجام بگیرد؛ چشم به بیرون نباشد، نگاهمان به بیرون نباشد. در طول سالهای گذشته، در دولتهای مختلف، چندبار میخواستند از بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول، وام بگیرند، بنده نگذاشتم؛ جلوبیش را گرفتم؛ مقدمات را فراهم کرده بودند که این کار را انجام بدهند. اینکه ما از بیگانه طلب بکنیم و متعهد در مقابل بیگانه بشویم، این خطای بزرگی است؛ باید اقتصاد درون‌زا باشد. البته معنای درون‌زا بودن اقتصاد این نیست که درهای کشور را ببندیم؛ نه، ما گفته‌ایم «درون‌زا و برون‌گرا» که حالا بعد در توضیح «حمایت از کالای ایرانی» این را عرض خواهم کرد. یکی از موانع هم عدم توجه به سیاست درون‌زایی اقتصاد در کشور بوده است.



یکی از موانع پیشرفت ما، قبیله‌گرایی سیاسی یا جناحی است؛ [یعنی] «این کار را اگر چنانچه شما بکنید خوب است، اگر جناح مقابل شما بکند بد است»؛ این اشکال کار ما است. گرفتار جناح‌گرایی و قبیله‌گرایی سیاسی هستیم؛ این را باید کنار بگذاریم. کار خوب را اگر کسی انجام داده است که دشمن شما هم هست، وقتی مدیریت دست شما است، تصمیم‌گیری با شما است آن کار خوب را باید ترویج کنید، باید دنبال بکنید؛ [اینکه] «چون فلانی کرده است، پس ما نمیکنیم؛ چون جناح مقابل کرده است، نمیکنیم»، این خطا است؛ این غلط است. یکی از مشکلات ما این است.

یکی از مشکلات ما، عدم مبارزه‌ی جدی با فساد است. من اینجا عرض بکنم که امروز مسئله‌ی فساد در کشور یعنی شهرت فساد و مفسد در کشور، به یک مسئله‌ی خیلی رایجی درآمده؛ نه، این خبرها نیست. البته فساد کمش هم بد است، کمش هم مضر است؛ اما اینکه بعضی تبلیغ میکنند که «حالا همه‌جا را فساد گرفته»، نخیر، به هیچ وجه این جور نیست. آدمهای صالح، آدمهای مؤمن، آدمهای درستکار، آدمهای پاک دست در مجموعه‌ی مدیریتهای کشور کم نیستند، زیادند؛ اکثر آنها هستند؛ حالا یک تعدادی هم البته فاسدند. البته با این فاسدها باید مبارزه‌ی جدی کرد، باید مبارزه‌ی پیگیر کرد؛ اینکه ما بگوییم، یک سروصدایی راه بیفتد و بعد از چند وقتی هم خاموش بشود، این آن کاری نیست که برای کشور، در نهایت مفید باشد. پس یکی از مشکلات، عدم مبارزه‌ی جدی با فساد است.

عزیزان من! یکی از مشکلات ما، متکی بودن کشور به نفت است. این نفت، نعمت خدا است در حق ما، اما اینکه اقتصاد ما، متکی به نفت است، این یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور ما است. باید کاری کنیم، تلاشی بکنیم که نفت را مستقل از اقتصاد کشور بکنیم؛ اختیار ما دست نفت نباشد، اختیار نفت دست ما باشد. اختیار ما اگر دست نفت شد - [چون] قیمت نفت را قدرتهای دیگرند که معین میکنند، گاهی تحریم میکنند، گاهی میخرند، گاهی میگویند نباید از فلانی بخریم، از این کشور بخریم - این مشکلات وجود دارد. ما باید خودمان را از اقتصاد نفتی خلاص کنیم که البته کار بسیار دشواری هم هست؛ اما بالاخره باید حتماً این کار در کشور انجام بگیرد.

یکی از موانع مهم، عیوب اساسی در سبک زندگی ما است؛ این دیگر مربوط به مسئولین نیست، مربوط به خود ما و شما آحاد مردم است. ما در سبک زندگی مشکلاتی داریم: یکی از مشکلات ما، مصرف‌گرایی است؛ یکی از مشکلات ما، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن است؛ یکی از مشکلات ما رفاه‌طلبی افراطی است؛ یکی از مشکلات ما، اشرافیگری است. اشرافیگری متأسفانه از طبقات بالا سرریزمیشود به طبقات پایین؛ آدم متوسط - [یعنی] از قشرهای متوسط - هم وقتی میخواهد میهمانی بگیرد، وقتی میخواهد عروسی بگیرد، مثل اشراف عروسی میگیرد. این عیب است، این خطا است، این ضربه‌ی به کشور میزند. زیاد مصرف کردن، زیادی خواستن، زیادی خوردن، زیادی خرج کردن، جزو عیوب مهم ما است در سبک زندگی‌مان.

ما نسبت به اقتصاد ملی خودمان باید تعصب داشته باشیم؛ مصرف‌جنس خارجی یکی از عیوب مهم ما است؛ ما بایستی تعصب داشته باشیم نسبت به مصرف داخلی و جنس داخلی و اقتصاد ملی‌مان. جوانهای ما تعصب دارند نسبت به فلان تیم فوتبال؛ یکی طرفدار تیم قرمز است، یکی طرفدار تیم آبی است، [آن هم] با تعصب؛ و حتی [تعصب به] تیم‌های خارجی؛ یکی طرفدار تیم رئال است، یکی طرفدار تیم [دیگر]؛ (۶) اینها تعصب نسبت به این تیم‌ها دارند؛ اگر همین مقدار و همین اندازه تعصب را نسبت به اقتصاد ملی و تولید داخلی داشته باشیم، بسیاری از کارهای ما اصلاح خواهد شد؛ این هم یکی دیگر از موانع.



خب، حالا راجع به شعار سال صحبت کنیم؛ موضوع «حمایت از کالای ایرانی»؛ این شعار امسال است. اولاً این را عرض بکنم؛ بعضی‌ها میگویند «شما شعار سال معین میکنید، فایده‌ای ندارد؛ عمل که نمیکند، چرا بیخودی شعار سال معین میکنید؟»؛ بنده قبول ندارم این حرف را. شعار سال با دو منظور مطرح میشود: یکی جهت دادن به سیاستهای اجرائی و عملکرد مسئولین دولتی و مسئولین حکومتی است، یکی توجیه افکار عمومی است؛ یعنی افکار عمومی توجه پیدا کنند به اینکه چه مسئله‌ای امروز برای کشور مهم است؛ امروز برای کشور مسئله‌ی کالای ایرانی یک مسئله‌ی مهمی است. دولتی‌ها هم البته ممکن است در سالهای مختلف، بعضی‌هایشان این شعارهایی را که ما هر سال معین میکنیم قبول نداشته باشند، اما آنهایی که قبول دارند تلاش میکنند، عمل میکنند، به قدر توان خودشان کار میکنند؛ البته اگر کار، بهتر و جامع‌تر انجام بگیرد، نتایج بیشتری به دست می‌آید. بنابراین، این جور نیست که این شعارها بی‌فایده باشد؛ نخیر، شعارها اتفاقاً بافایده است.

شعار امسال، هم خطاب به مسئولین است، هم خطاب به مردم است. شعار امسال [حمایت از] کالای ایرانی است. کالای ایرانی یعنی محصول نهایی کار و سرمایه و فعالیت اقتصادی و ذهن و ابتکار و همه چیز. سرمایه‌گذار با سرمایه‌ی خود، کارگر با کار خود، طراح با ذهن خود و با دانش خود، اینها همه تلاش میکنند و محصول [کار آنها] میشود کالای ایرانی. بنابراین چیز باعظمتی است، چیز بسیار مهمی است؛ این را بایستی حمایت کرد. در حمایت از این کالای ایرانی - که محصول تلاش فعالان اقتصادی و فعالان کارگری و سرمایه‌گذاران و برنامه‌ریزان و طراحان و مانند اینها است - هم مردم نقش دارند به‌عنوان تولیدکننده‌ی کالای ایرانی، هم مردم نقش دارند به‌عنوان مصرف‌کننده‌ی کالای ایرانی؛ هم باید تولید کنند، هم باید مصرف کنند؛ هم باید در تولید تلاش کنند - که حالا عرض میکنم کارهایی را که باید انجام بگیرد - هم باید در مصرف مراقبت بکنند که کالای ایرانی مصرف کنند؛ و این هم یک وظایفی را بر عهده‌ی مردم و بر عهده‌ی مسئولین دولت قرار میدهد؛ مخاطب این شعار، هم مردمند، هم مسئولانند.

خب چه جوری حمایت بکنیم؟ این حمایت اولاً به‌صورت افزایش تولید [است] که به‌عهده‌ی مسئولین دولتی است - برنامه‌ریزی کنند - و همچنین به‌عهده‌ی خود مردم تا تولید داخلی افزایش پیدا کند.

تولید داخلی بهبود کیفیت پیدا کند. از پیغمبر اکرم نقل شده است که فرمود: رَحِمَ اللّهُ امْرَأَةً عَمِلَتْ عَمَلًا فَاتَّقَتْهُ؛ (۷) کار را محکم و زیبا و خوب انجام بدهند، کیفیت کار بالا برود.

حمایت، یکی انطباق با نیازها و سلیقه‌ها و مزیت‌های روز است؛ این هم حمایت است؛ این جور نباشد که نگاه نکنید که مردم چه میخواهند. تولید کالای ایرانی به این معنا است که باید چیزی تولید بشود که مطابق با سلیقه‌ی مردم و میل مردم [باشد]، همراه با ظرافتهای لازم.

بازاریابی بیرون از کشور و صادرات هم یکی از انواع حمایت از کالای ایرانی است. بایستی ما که با پانزده کشور همسایه‌ایم - غیر از کشورهای دیگر دوردست که میتوانند کالای ایرانی را مصرف بکنند، با پانزده کشور همسایه هستیم - از این همسایگی استفاده کنیم، کالای ایرانی را صادر کنیم؛ این، هم به‌عهده‌ی وزارت خارجه است، هم به‌عهده‌ی وزارت بازرگانی است، هم به‌عهده‌ی فعالان اقتصادی مردمی است؛ بازاریابی کنند. یک آماری را به من دادند - چون یادداشت نکرده‌ام، این آمار درست یادم نیست، لکن آمار بسیار مهمی بود - که اگر ما بتوانیم بیست



درصد از تولیدات [مورد نیاز] کشورهای همسایه‌ی خودمان را - فقط همسایه- [یعنی] بیست درصد از مجموع مصرف آنها را متعهد بشویم، فلان تعداد شغل [ایجاد میشود] -یک عدد خیلی بالا که من الان درست یادم نیست، نمیتوانم عرض بکنم- که تأثیرش در ایجاد اشتغال در کشور و ایجاد ثروت ملی بسیار زیاد خواهد بود؛ یکی هم این است.

بعد هم ارزان تمام کردن و رقابت‌پذیر کردن. یکی از کارهای بسیار مهم در کشور این است که بتوانیم تولید داخلی را رقابت‌پذیر با جنس خارجی به وجود بیاوریم؛ در حد امکان ارزان‌تر از جنس خارجی بتوانیم تولید کنیم که البته خود این مقدماتی دارد؛ بعضی از مقدمات به‌عهده‌ی دولت است، بعضی هم به‌عهده‌ی خود ما است.

الزاماتی هم این حمایت دارد که این الزامات اگر رعایت نشود، این حمایت انجام نمیگیرد. یکی از الزامات، مدیریت جدی واردات از سوی دولت است. دولتی‌ها باید به‌طور جدی واردات را مدیریت کنند. اجناسی که در داخل تولید میشود یا قابل تولید شدن است، باید حتماً [از] خارج [وارد] نشود. به بنده مراجعه میکنند، موارد زیادی شکایت میکنند میگویند ما این کارخانه را ایجاد کرده‌ایم، این محصول را تولید کرده‌ایم، به‌مجرد اینکه این محصول خواست بیاید بازار، یک وقت دیدیم در گمرک باز شد، از خارج، مشابه این جنس وارد شد! موجب میشود که بسیاری از کارخانجات ما از این جهت ناکام بمانند؛ بعضی ورشکسته بشوند و مشکلات برایشان به وجود بیاید. بایستی حتماً این واردات مورد توجه قرار بگیرد و مدیریت بشود از سوی دولت.

بعضی اوقات یک چیزهایی را وارد میکنند، ما تذکر میدهیم به مسئولین که چرا وارد شده است؟ در جواب ما میگویند این را که ما وارد نکرده‌ایم، بخش خصوصی وارد کرده است؛ این جواب، جواب کافی نیست؛ بخش خصوصی بایستی مدیریت بشود؛ دولت باید مدیریت کند، مسلط باشد بر اینکه چه چیزی وارد بشود و چه اندازه وارد بشود و چه چیزی وارد نشود؛ اینها را بایستی [توجه کنند]؛ حتماً یکی از کارهای مهم همین است که بایستی انجام بگیرد.

یکی از الزامات، مبارزه‌ی جدی با قاچاق است که متأسفانه در سالهای گوناگون، این مبارزه‌ی جدی بدرستی انجام نگرفته است و باید انجام بگیرد. البته اخیراً شنیدم که وزارت اقتصاد در گمرک یک سامانه‌ای را به راه انداخته‌اند؛ نقل کرده‌اند که این سامانه بسیار مؤثر است، بسیار مفید است برای اینکه جلوی قاچاق را بگیرد؛ بسیار خوب، این کار را دنبال کنند و این کار حتماً تحقق پیدا بکند. جلوی قاچاق باید گرفته بشود. و مردم هم جنس قاچاق را، جنسی را که میفهمند این جنس قاچاق است، مقید باشند متعصبانه این جنس را مصرف نکنند تا قاچاقچی برایش صرفه نداشته باشد که این کار را انجام بدهد. آمارهای کارشناسان جوان ما از تأثیر مخرب واردات بر تولید کشور، آمارهای بسیار مهمی است. کارشناس‌های جوانی هستند که در این زمینه‌ها کار میکنند و بسیار خوب میفهمند؛ اینها یک آمار را آوردند به بنده دادند و نشان دادند که فلان مقدار واردات، چقدر شغل را در کشور از بین میبرد! آن وقت ما از بیکاری جوانها مینالیم؛ واردات هم همین‌طور بیخودی مثل سیل وارد کشور میشود. پس بنابراین یکی از انواع حمایت هم این است که در داخل با قاچاق و با واردات بی‌رویه مبارزه بشود.

یکی از انواع حمایت هم سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی در امر تولید است. این جور نباشد که فعالان اقتصادی دنبال کارهای سوداگرانه بیشتر بچرخند؛ اگر میخواهند سرمایه‌گذاری بکنند، سرمایه‌گذاری در امر تولید [بکنند]. اگرچنانچه نیتشان را خالص کنند، خدایی کنند، برای کشور انجام بدهند، این سرمایه‌گذاری میشود عبادت؛ سرمایه‌گذاری سود



دارد اما چون برای پیشرفت کشور است، برای کمک به مردم است، این میشود یک عبادت.

خب، این مسائل مربوط به این مسئله‌ی حمایت از کالای ایرانی بود. من توصیه‌ام این است: همان‌طور که عرض کردم، با تعصّب دنبال کالای ایرانی بگردید؛ فروشنده، کالای ایرانی بفروشد؛ خریدار، کالای ایرانی بخرد؛ مسئولین تولید ایرانی را کمک کنند و حمایت بکنند و از واردات و قاچاق جلوگیری کنند؛ این بحث تمام شد.

یک جمله راجع به مسائل منطقه و خباثت آمریکایی‌ها عرض بکنم که این هم امر لازمی است، مسئله‌ی روز است. جمهوری اسلامی در این سالی که گذشت، پرچم عزّت و اقتدار ملت ایران را در منطقه به اهتزاز درآورد. جمهوری اسلامی سهم مهمی ایفا کرد برای شکستن کمر تکفیری‌ها در منطقه؛ این کار را کرد. جمهوری اسلامی توانست در بخش مهمی از این منطقه، شرّ تکفیری‌ها را از سر مردم کم کند و امنیت به وجود بیاورد؛ اینها کارهایی است که جمهوری اسلامی کرده. اینها کارهای بزرگی است، کارهای کوچکی نیست. حالا فضولهای بین‌المللی، کسانی که در همه‌ی مسائل داخلی مناطق مختلف دنیا میخواهند دخالت کنند، اعتراض میکنند که ایرانی‌ها چرا در مسائل عراق، چرا در مسائل سوریه و امثال اینها شرکت میکنند، چرا دخالت میکنند؟ خب به شما چه؛ به شما چه! جمهوری اسلامی توانست نقشه‌ی آمریکا را در منطقه خنثی کند؛ نقشه‌ی آمریکا چه بود؟ نقشه‌ی آمریکا این بود که گروه‌های شریر و ظالم و هتاک از قبیل داعش را به وجود بیاورد برای اینکه ذهن ملت‌ها را از رژیم غاصب صهیونیستی منصرف کند، آنها را مشغول کند به مسائل داخلی خودشان، به جنگ داخلی، به مشکلات داخلی و فرصتی برای آنها باقی نگذارد که به فکر رژیم صهیونیستی بیفتند؛ این نقشه‌ی آمریکا بود که داعش را به وجود آورد؛ این نقشه را ما به توفیق الهی و باذن‌الله، توانستیم خنثی کنیم.

آنها میگویند «ما در سرکوب داعش دخالت داشتیم»؛ دروغ میگویند! سیاست آمریکا این است که داعش را داشته باشند منتها در مشت خودشان. البته داعش و امثال داعش چیزهایی هستند که به وجود آوردنشان از سوی آمریکا برای آنها آسان است اما نگه داشتنشان مشکل است. اینها میخواهند اینها را داشته باشند، در اختیار داشته باشند، در مشت خودشان باشند، هیچ انگیزه‌ای ندارند که اینها را از بین ببرند؛ امنیت منطقه مورد نظر اینها نیست، علاوه بر اینکه آمریکایی‌ها قادر به ایجاد امنیت در منطقه نیستند؛ دلیلش افغانستان [است]. چهارده سال است که آمریکایی‌ها وارد افغانستان شده‌اند؛ چه غلطی کرده‌اند؟ آیا توانستند امنیت را در افغانستان به وجود بیاورند؟ ابد! نتوانستند. حالا بعضی میگویند نتوانستند، بعضی هم میگویند نخواستند؛ هرکدام باشد، موجب این میشود که ادعای آمریکا و امثال آمریکا - [یعنی] انگلیس و دیگران - برای حضور در منطقه ادعای غلط و بیجایی باشد.

حضور ما به خواست دولتها است؛ هر جا رفته‌ایم به خاطر این بوده است که دولتها و ملتهای منطقه از ما خواسته‌اند؛ زورگویی هم نکرده‌ایم، بکن نکن هم نکرده‌ایم، دخالت در امور کشورها هم نکرده‌ایم؛ کمک میخواستند، کمک کردیم؛ کمک را [هم] با انگیزه‌های عقلایی و منطقی انجام دادیم؛ این را همه بدانند. هر کمکی که در زمینه‌ی مسائل منطقه انجام گرفته است با محاسبات بسیار منطقی و عاقلانه انجام گرفته است؛ این جور نیست که کسی از روی احساسات اقدامی کرده باشد؛ نه، نخیر. ما بحمدالله توانستیم، موفق هم شدیم، بعد از این هم همین خواهد بود. ما قصد دخالت در کشورها نداریم و بدون شک میتوانم این را عرض بکنم که در مسائل منطقه، آمریکا به مقصود خود نخواهد رسید و ما ان شاءالله مقاصد خودمان را تحقق خواهیم بخشید.



من بحث را جمع بندی کنم عزیزان من! آنچه را عرض کردیم در چند جمله جمع بندی کنم و خلاصه کنم؛ جمع بندی بحث ما این است:

اولاً همه‌ی مشکلات کشور قابل حل است؛ ما در کشور هیچ مشکلی که قابل حل نباشد نداریم؛ هیچ مشکلی که کلید آن و حل آن دست بیگانه‌ها باشد نداریم. مشکلات هست، اما همه‌ی مشکلات کشور قابل حل است، کلیدش هم دست خود ملت ایران و مسئولین کشور است.

نکته‌ی دوّم: انقلاب با قدرت و با نشاط دارد پیش میرود؛ چهل سالگی انقلاب دوران پیری انقلاب نیست، دوران عقب‌گرد انقلاب نیست، دوران پختگی و نشاط انقلاب است. انقلاب در چهل سالگی، بحمدالله با قدرت، با حفظ شعارها و با برافراشته بودن پرچمهای اصلی، همچنان دارد به پیش میرود.

نکته‌ی سوّم: جوانان ما در همه‌ی میدانها سرمایه‌ی امید کشورند؛ جوانان خیلی باارزشند. در صنایع برتر، جوانها هستند که مشغول فعالیتند؛ در مسائل فرهنگ و هنر، جوانها هستند که مشغول فعالیتند؛ در نظامیگری و فرماندهی، جوانها هستند که نقش‌آفرینی میکنند؛ در مدیریت هم هرجا جوانها باشند، مدیریت، مدیریت بانشاطتری خواهد بود و توصیه‌ی ما این است که در مدیریتهای مختلف، جوانها بیشتر به کار گرفته بشوند و بیشتر مورد استفاده قرار بگیرند.

نکته‌ی بعدی: دشمن امیدوار بود -این نکته مهم است- که نسل سوّم انقلاب و نسل چهارم انقلاب از انقلاب روگردان بشوند، [ولی] امروز گرایش و پایبندی نسل سوّم و چهارم انقلاب به انقلاب و علاقه‌مندی عمیق و پخته‌ی آنها به انقلاب، از نسل اوّل اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. دشمن سعی میکند مشکلات را بزرگ‌نمایی کند و بمراتب بزرگ‌تر و بیشتر از آن مقداری که هست نشان بدهد.

بنده در مقابل عرض میکنم همه‌ی این مشکلات، به توفیق الهی و به هدایت الهی، به دست جوانهای ما قابل حل است. دشمن از بالندگی نسل جوان ما بشدت نگران و عصبانی است. اینکه شما دیدید دشمنها -آمریکایی‌ها و غربی‌ها- این قدر با سانتریفیوژهای ما مخالفت کردند، فقط به خاطر این نبود که این سانتریفیوژها اورانیوم را غنی میکنند، بلکه بیشتر از آن به خاطر این بود که این حرکت علمی، ذهن جوانان ما را غنی میکند، آنها را آماده میکند برای کارهای بزرگ‌تر؛ بیشتر از این جهت که توانایی جمهوری اسلامی را در بالنده ساختن نسل جوان کشور نشان میدهد. من به شما عرض بکنم جوانهای عزیز ما این کشور را خواهند ساخت، بهتر از آن چیزی که در ذهن نسل قبلی -که نسل ما است- وجود داشته است؛ ان‌شاءالله بهتر خواهند ساخت و خواهند توانست پرچم استقلال و عظمت و شرافت این کشور را از آنچه تا امروز بوده است، بلندتر کنند.

پروردگارا! جوانان ما را مشمول لطف و رحمت و هدایت خود قرار بده و قدمهای آنها را در صراط مستقیم حق ثابت بدار. پروردگارا! به محمد و آل محمد ایران اسلامی را روزبه‌روز سربلندتر بفرما و روح مطهر امام بزرگوار را که این راه را بر روی ما گشود، با ارواح اولیای خودت محشور بفرما. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بفرما. پروردگارا! هدایت معنوی و غیبی آن بزرگوار را شامل حال ما بفرما؛ ما را از یاران آن بزرگوار قرار بده و در فرجش تعجیل بفرما.



والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

- (۱) برگزیده‌ها، سخنان برگزیده
- (۲) بیانات در دیدار مردم استان آذربایجان شرقی (۱۳۹۶/۱۱/۲۹)
- (۳) بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس (۱۳۹۶/۱/۱)
- (۴) سرپرستی
- (۵) جامع‌الاکبار، ص ۱۰۱
- (۶) خنده ی حضار و معظم‌له
- (۷) شواهدالتنزیل، ج ۱، ص 5